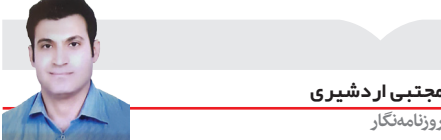


«فرهیختگان» از جدیدترین ساخته محمدحسین مهدویان گزارش می‌دهد

# در انتظار شگفتی



**مجتبی اردشیری**

روزنامه‌نگار

اگر بخواهیم برای دهه ۹۰ سینمای ایران از چند تئورسین و معمار سبک نوین در تولیدات سینمایی کشور نام ببریم، قطعاً یکی از آنها محمدحسین مهدویان است. کارگردان جوانی که مستندبازها، نام او را از ابتدای دهه ۹۰ شنیده بودند و اهالی سینما از میانه این دهه. او توانسته بود در روزگار ذوق‌زدگی سینماگران از روح نسخه‌های دیجیتال، با به مدد تصویربرداری نگاتیو، فضای آثار مستند خود را به دوران معاصر عمدتاً دهه ۶۰ نزدیک کند و با تزریق تم داستانی به آثار خود، طرفداران سفت‌وسختی را برای مستندهای خود بیابد.

گرچه این تمام دلایل دیده شدن مهدویان در میان انبوه مستندسازان ابتدای دهه ۹۰ نبود. مهدویان در گفت‌وگوهای خود از علاقه وافرش به اتفاقات سیاسی دوران معاصر سخن گفته بود؛ اتفاق‌هایی که برخی از آنها سر به مهر باقی مانده و برخی که رمزگشایی شده‌اند نیز آنچنان جذابیت دارند که تکرار آن رمزگشایی‌ها می‌تواند جذابیت‌های فوق‌العاده‌ای را روی پرده سینما خلق کند. بنابراین دست‌گذشتن روی اتفاق‌های مهم سیاسی دوران دهه ۶۰، دیگر کاتالیزوری بود که توجه مخاطب را در کنار ساختار نوین تولیدی این آثار به سینمای مهدویان جلب می‌کرد.

او با همین دست‌فرمان، نه‌تنها توجه و اقبال مخاطبان سینمای مستند را به خود جلب کرد، بلکه توانست تا پیش از ۳۰ سالگی، چندین جوایز معتبر را از جشنواره‌های داخلی دشت کند. از دروی جوایز اصلی جشنواره شهید آوینی تا جشن انجمن منتقدان، سینماحقیقت... و تنها گوشه‌ای از افتخارآفرینی‌های چندین ساله مهدویان در حوزه مستند بوده است.

### ۹ فرش قرمز برای ورود به سینما

تمام این افتخارات سبب شد ورود مهدویان به سینما، حکم به‌نوعی- فرش قرمز را برای او داشته باشد. البته این تحویل گرفتن بیشتر جنبه فردی داشت تا عمومی. به هر حال، توجه غالب سینمای ایران و مخاطبان بسیار بیشتری به نسبت مستند، روی پروژه‌های شناخته‌شده‌تر بود تا فیلمساز جوانی که در نخستین ساخته بلندش قرار بود بخشی از زندگی حاج اکبر متوسلیان را با بازیگران گمنام آن سال‌ها به تصویر بکشد. انتشار نخستین تصاویر از «ایستاده در غبار» نیز نتوانست شغنی را برای تماشای فیلم در بین مخاطبان جشنواره فجر سی‌وچهارم که بی‌صبرانه منتظر تماشای فیلم‌هایی از ابراهیم حاتمی‌کیا (بادیگارد)، کیومرث پوراحمد (کفش‌هایم کو؟)، کمال تبریزی (امکان مینا)، رضا میرکریمی (دختر)، مانی حقیقی (ازده‌وارد می‌شود) و حتی نرگس آبیار (نفس) بودند، برانگیزاند. حتی وقتی فیلم در سانس ۲۳ برج میلاد به نمایش گذاشته شد، میزان استقبال مانند آثار قبلی نبود، اما خبرسازی‌ها دقیقاً از فردای نمایش فیلم در برج میلاد آغاز شد. حسرت کسانی که تصور می‌کردند نباید برای یک فیلم سفارشی مانند انبوه آثار از این دست- که تنها در ولع بودجه دولتی، سوزه را حیف‌ومیل می‌کردند- وقت چندانی گذاشت با دریافت‌سیمرغ بهترین فیلم جشنواره این سال توسط ایستاده در غبار تکمیل شد.

فیلم، همان سبک مستندهای مهدویان را داد. با این تفاوت که دایره مخاطبانش وسیع‌تر شده بود و بازی‌نااب بازیگری چون

## ۹ همراه با سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر

نشست خبری فیلم سینمایی «خروج» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیااز آثار حاضر دربخش سودای سیمیرغسی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر روز گذشته در پردیس ملت برگزار شد. در این گزارش چند نکته مهم این نشست را می‌آوریم.

۱۱

۱ ابراهیم حاتمی‌کیا در پاسخ به اینکه اگر به جای کاراکتر اصلی فیلم «خروج» بودید به رئیس‌جمهور چه می‌گفتید؟ گفت: «واقعیت این است که این پانورامای اینجا کمی فشار می‌آورد. گویا هرچس‌من مابالاتر می‌رود فیلمسازی سخت‌تر می‌شود و توقع‌ها هم بالاتر می‌رود. در ۲۰ دقیقه ابتدای فیلم می‌گفتم که این کشاورزان چه می‌خواهند به رئیس‌جمهور بگویند حتی در آخر فیلم هم حرف آنها از زبان کامیوز دیرباز گفته می‌شود.»

۲ درباره پایان‌بندی فیلم و اعمال نظر سفارشی در این زمینه: «این پایان‌بندی تحمیلی نبود و مسئولیتش رامی‌پذیرم.»

۳ در پاسخ به سوال خبرنگاری که پرسیده بود چرا با ساخت این فیلم شوخی عمدی با سینما داشته‌اید: «این را نمی‌دانم. رفتن سراغ فیلمی که در روستا باشد برایم جذاب و مساله‌بوده می‌خواستم از این مرکز دربیایم. بازی کردن بازیگرانی که تجربه‌های زیادی دارند بسیار لذت‌بخش بود. سفر با تانکرو آنها از خاطر نمی‌رود الان هم که نگاه می‌کنم از این همراهی آنها لذت می‌برم.»

۴ درباره گریم غیرواقعی رئیس‌جمهور: «به شما مربوط نیست که من رئیس‌جمهور را نشان می‌دهم یا نه. من در فیلم دلم می‌خواست همین قدر که دیدید نشان بدهم.»

۵ در پاسخ به پرسشی که چرا در این دولت فیلم را ساخته است: «هر دولتی بیاید همین بحث مطرح است. البته خوب است بدانید ایده این فیلم از سال ۸۹ شروع شد اما آن‌طوره که می‌خواهم شکل نمی‌گرفت تا امروز. من همه فیلم‌هایم در ادامه هم هستند و نمی‌توان گفت «خروج» تنها در ادامه «گزارش یک جشن» است.»

۶ درباره امکان بی‌توجهی جشنواره به فیلم: «من انقدر در طول این ۳۵ سال فیلم ساختم که دیگر برایم توجه جشنواره مهم

# سینما جوانانه

ویژه سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر

شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۸ شماره ۲۹۷۷

# ۱۳



در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ روایت می‌کنند.

فارغ از این شنیده می‌شود که مهدویان برای این اپیزودها، دست به یک کار متفاوت هم زده است به این ترتیب که تصویربرداری هر یک از این دوره‌ها را با فرمت خاصی انجام داده. وی برای دهه ۶۰ از همان فرمت مورد علاقه‌اش یعنی نگاتیو با دوربین ۱۶ میلی‌متری استفاده کرده، برای دهه ۸۰، رو به دوربین ۳۵ میلی‌متری آورده و برای دهه ۹۰ هم از دوربین‌های دیجیتال استفاده کرده است. این رخداد، علی‌رغم نزدیکی هر چه بیشتر مخاطب با وقایع این سالیان، برای نخستین‌بار است که در سینمای ایران اتفاق می‌افتد.

مهدویان از همان شروع کارش نشان داده که کارگردان هوشمندی است. همیشه داستان کارهایش، در درجه دوم اهمیت پس از ساختار بصری آفارش بوده است. جایی که نوع فیلمبرداری، تدوین و حتی میزانسزن‌های اجرایی‌اش به عین‌ه از داستان کارهایش جلوتر بوده‌اند. وگرنه وی نویسنده‌ای نیست که بخواهد زمانی طولانی را برای فیلمنامه‌هایش خرج کند. البته نمی‌توان نام وی را از سینمای داستانی این سال‌ها جدا دانست. در سال‌هایی که سینمای ایران تمام توجه خود را روی قصه قرار داده و ترجیح می‌دهد ساختار بصری را روی همان استاندارد واحدی که تمام فیلم‌ها رعایت می‌کنند، متمرکز کند، مهدویان از این بخش مرده هم سهم‌خواهی داشته است. تفاوت‌های بصری آشکاری که فیلم‌هایش با دیگر آثار سینمای ایران دارند، مشخصه‌سبک خاص تولیدی‌وی در این سینماست. حالا وی با همان هوشمندی، قدم در کارزار درخت‌گردو نهاده است؛ فیلمی که قرار است داده‌های بصری، بیش از دیگر آثار مهدویان، خود را به مخاطب بنمایانند و در کنار این ۵۰ درصد، به ۵۰ درصد داستان می‌رسیم که با توجه به رئالیته بودن آن و تأثیرگذاری‌اش که در کنار بمباران سردشت رخ می‌دهد، قطعاً مخاطبش را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این تأثیرگذاری، آشکارا در تک‌پوستر رسمی‌ای که از فیلم منتشر شده، قابل دریافت است.

### ۹ پوئن‌هایی که به جذابیت بیشتر فیلم می‌افزایند

فیلم، صحنه‌های هوایی بسیاری دارد. فیلمبرداری در دو استان کردستان و تهران صورت گرفته و علاوه‌بر بخش‌هایی که در سوله تصویربرداری شده، صحنه‌های هوایی بسیاری در هر دو استان دارد که در پایگاه‌های شکاری فیلمبرداری شده. این تصویربرداری سخت، قطعاً نام‌های پرهور را به‌عنوان فیلمبردار گل‌درشت خواهد کرد. در کنار این اتفاق، قطعاً تدوین محمد

### ۹ موارد عجیب «درخت‌گردو»

### همچنان ادامه دارد

از سواردی که به بیرون درز پیدا کرده، شکل اپیزودیک داستان است. گویا این اپیزودها، منفصل نیستند و به شکل برهه‌های زمانی، داستان همان آدم‌های دهه ۶۰ را

نیست. من به این قضیه عادت دارم و این سلیقه دا‌وران است. درباره سالی که فیلم «برج‌مینو» و «بوی پیراهن یوسف» را ساختم اصلا به فیلم‌ها توجه‌نشد و در زمان فیلم‌ج» هم همین‌وی توجهی رخ داد، پس برابم اهمیتی ندارد.»

۷ در پاسخ به اینکه فیلم در بین آرای مردمی حضور ندارد: «من این را یک شوخی بزرگ می‌دانم و واقعیت این است اصلاً امکان ندارد و محال ممکن است این اتفاق رخ داده باشد. به نظر می‌آید امسال یک مهندسی به ظاهر ساده اما پیچیده رخ داده است، اما ایرادی ندارد، من همه را به زمان می‌سیارم و زمان است که ثابت می‌کند چه فیلمی می‌ماند و چه فیلمی نه. کاش هیاتی برای رسیدگی به کسانی که این هیات را در دست دارند، تشکیل شود. در هر حال من لذت می‌برم از مشت‌ی که این دوستانم دارند.»

۸ درباره انتقاداتی که نسبت به «خروج» در روزهای اخیر مطرح شده است: «من نگران همه‌ها نبودم. همیشه این موضوع وجود دارد انواع طیف‌های مختلف مخالف وجود دارند. برخی می‌توانند فیلم را دوست داشته باشند و برخی نه. اما از بی ادبی خوشم‌نمی‌آید. گناه‌ما چیست که فیلم می‌سازیم؟ چرا دادگاه تشکیل می‌شود؟ چرا جنس نوشته‌ها و واکنش‌ها دادگاهی شده است. این چه‌زبان‌بی حیایی برای من سراز است؟ چرایی حیامی شویم؟ به‌من می‌گویند ده‌هات گذشته؛ جمله خودم را به خودم پس می‌دهید؟ روزی که علی حاتمی رفت آیا جایش پر شد؟ ما کنار برویم؟ لذت می‌برید از این رفتار؟ از این‌ور و آن‌ور این واکنش‌ها وجود دارد. من از این فضا دلخورم. «خروج» بیستمین فیلم من است و من ۲۰ بار از این بالا آمده‌ام. چرا سال به سال سخت‌تر می‌شود؟ چرا فضا را این شکلی کردید که مثل فشار قیر است؟ انصاف کنید عمر ما بابت هر



فیلم می‌گذارم و برای هیچ فیلمی کم‌فروشی نکرده‌ام. به نظر ساده می‌آید تراکتور را میان خیابان بیندازید، ولی چرا این‌گونه‌بابی حیایی حرف می‌زنید؟ چرا به من گیر می‌دهید؟ این اشکال بزرگ است، به چه‌کنار هم بودن افتخار کنید، ما سربازان فرهنگی این نظام هستیم.»

۹ درباره فاصله گرفتن از سینمای همیشگی‌اش: «من همه نوع فیلمی ساخته‌ام و تجربیات مختلفی در ژانرهای مختلف دارم. سینما مساله من است. این چشم‌های انصاف کجاست؟ ما برای ساخت این فیلم در شهرستان زحمت زیادی کشیدیم و من تلاش کردم سینما بسازم و همیشه هم این تجربه برای من زیباست.»

تجاریان هم به چشم می‌آید.

این فیلم همچنین چندین قطعه موسیقی استودیویی هم دارد که می‌تواند بر تأثیرگذاری بیشتر فیلم بیفزاید. موسیقی این کار را حبیب خزایی‌فر برعهده داشته. کمانچه‌کار را اردشیر کامکار نواخته و خواننده فیلم هم علیرضا قربانی است. این سه‌ضلع شناخته‌شده دنیای موسیقی قطعاً نوبدبخش یک اتفاق بسیار میمون در این فیلم هستند.

تمام اینها نشان می‌دهد که مهدویان با درخت‌گردو با دست‌پر برگشته تا ناکامی‌های چند دوره اخیر را جبران کند. شاید هم این قدرت‌نمایی به‌مثابه ضرب‌شستی باشد که بگوید می‌تواند فارغ از آن تیم همیشگی و سبک غالب خود، در فضا‌های جدیدتر با آدم‌های متفاوت‌تر هم، همان کارگردان موفق ایستاده در غبار باشد.

تا اینجا که درخت‌گردو بدون شانتاژهای معمول سینمایی، توانسته حسایی دوز تعلیق‌ها و کنجکاوی‌ها را بالا ببرد. این فیلم در بسیاری از نظرسنجی‌های دنیای مجازی، در صدر فیلم‌هایی قرار دارد که مخاطبان، تشنه دیدنش هستند و تماشای آن را به سایر کارهای جشنواره امسال ترجیح می‌دهند.

حال باید دید فیلم در راند پایانی خود که به محک مخاطبان جشنواره، منتقدان و البته داوران درمی‌آید، با چه میزان موفقیتی همراه خواهد بود. فعلاً روی کاغذ که همه چیز به نفع فیلم و عوامل آن است.

### ۹ مردم چه می‌گویند؟

گویا سکانس‌های ابتدایی فیلم که تصویرگر بمباران هوایی است حسایی به‌مذاق مخاطبان خوش آمده است، چون در کمتر نقل‌قولی از این فیلم، به این مورد اشاره نمی‌شود. اتفاقاً تا صحبت از درخت‌گردو می‌شود، مخاطبان صحبت از این افتخارحیه جاندار و میخکوب‌کننده فیلم می‌کنند. برخی منتقدان از قید تماشای فیلم‌ها در روز نخست کاخ جشنواره رازده و در روز نخست به سینما ایران رفته‌اند، درخت‌گردو را یک تراژدی نفسگیر و تمام‌عیار عنوان کرده‌اند. تصویری عربیان از جنگ که در کارنامه مهدویان، یک گام رو به جلو محسوب می‌شود.

بازی پیمان معادی نیز از دیگر مشترکاتی است که مخاطبان و منتقدان درخت‌گردو به آن اشاره و آن را تحسین کرده‌اند. باید دید با این حجم تعریف از فیلم میان مردم و منتقدان، اقبال درخت‌گردو در جشنواره این دوره و البته سهم آن در جوایز به چه ترتیب خواهد بود.

هم بعد از فیلم این اتفاقات می‌افتد و درباره آن ناحقی می‌شود و فیلم‌ما از آرای مردمی در می‌آید.»

۱۳ درواکنش به این سوال که فکر نمی‌کنید فیلم «خروج» فیلم حاتمی‌کیانیست: «حاتمی‌کیا اینجان‌شنسته است. اینکه‌تو می‌گویی حاتمی‌کیا این‌طور شده است، حاتمی‌کیای خودت است.

من اگر پشت شما بیفتم معلوم نیست عاقبتم چه می‌شود. من دین و آخرتم را نمی‌فروشم که آنچه شما می‌خواهید باشم. هر آنچه را در دیده‌بان به کار بردم در این فیلم هم به کار برده‌ام. من یک فیلم سفارشی نساختم. بچه‌های اوج حتی یک نقطه روی فیلمنامه من نگذاشتند. من به بچه‌های اوج گفتم حتی شما ممکن است ادیت شوید، ولی گفتند اینها حرف ماست. آنچه گفتم مال خودم است ممکن است انتظاری از حاتمی‌کیا داشته باشید، چرا با حاتمی‌کیا حاتمی‌کیا را می‌زنید؟ همه فیلم‌هایم را بر اساس روز و حال‌واحوالم که در آن می‌زیسته‌ام ساخته‌ام. اینکه می‌گویید از من بعید بود چیست؟ من نمی‌گویم سرمنده از این سکانس هستم، همه را از خودم و ته‌دلم ساختم.»

۱۴ فرامرز قریبیان: بازیگر فیلم درباره نقشش در خروج: «من نقش‌های معترض را خیلی دوست دارم، چون خودم معترض هستم. «خاک»، «گوزن‌ها»، «سفری»، «ساتور» همگی نقش‌های معترضی بودند و من این نقش‌ها را بسیار دوست دارم. خودم در حال حاضر یک بخشی هستم. من معتقدم این فیلم‌بهترین کار کارنامه‌م‌من است. وقتی این فیلم‌نامه را خواندم دوست داشتم. در این هفت‌سال پیشنهادهای زیادی شد، از هیچ‌کدام خوشم‌نیامد، ل‌لم می‌خواست

با کاری که دوست دارم حرف‌ام را خاتمه‌دهم و وقتی این فیلم‌نامه را خواندم دیدیم این فرصت پیش آمده است. می‌دانستم فیلم زحمت زیادی دارد فقط یک ماه تمرین تراکتورسازی کردم، بنابراین این فیلم را دوست داشتم. همکاری به دلیل زیبایی فیلمنامه ایجاد شد و بلافاصله پیشنهاد بازی را پذیرفتم. حالا اعلام می‌کنم این آخرین فیلم من در سینما بود و دیگر خداحافظی می‌کنم، چون حوصله بچه‌بازی و غرض‌ورزی مسئولان سینمایی را ندارم.»